

علم أصول الفقه

١٧-٩-٩٢ حجية الظن في نفسه ٢٧

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

نتیجہ مقدمات انسداد

- ۱- حجیة الظن علی الحكومة
- آخوند - رضوان الله تعالى علیه - مانند شیخ انصاری می فرماید:
- اگر مقدمات دلیل انسداد تمام باشد، عقل حکم می کند که ظن حجت است.

نتیجہ مقدمات انسداد

- میرزای نائینی - رضوان اللہ تعالیٰ علیہ - اشکال می کند کہ کار عقل حکم کردن نیست، بلکه درک کردن است.

نتیجه مقدمات انسداد

- پس اگر شیخ یا آخوند - رضوان الله تعالی علیهما - در بحث حجیت الظن علی الحكومة می فرماید: عقل به حجیت ظن حکم می کند، مقصودشان این است که وقتی مقدمات دلیل انسداد را کنار هم بچینیم و ظن را در فضای انسداد در نظر بگیریم، عقل لزوم عمل به آن را اعتبار می کند. می دانیم اگر مقدمات دلیل انسداد را در نظر نگیریم و فقط ظن را در نظر بگیریم، عقل برای آن حجیتی اعتبار نمی کند؛ چون می گوید در موارد ظن بخلاف یقین احتمال خلاف وجود دارد و واقع به طور کامل منکشف نشده است.

نتیجہ مقدمات انسداد

- ۲- حجیة الظن علی الکشف
- در فضای انسداد مکلف از یک سو می داند که تکالیفی دارد و نمی تواند براءت جاری کند و از سوی دیگر اگر بخواهد احتیاط کند، گرفتار عسر و حرج می شود. بر اساس این مبنا عقل کشف می کند که شارع در این فضا ظن را برای او حجت قرار داده است.

نتیجه مقدمات انسداد

- **ثمره عملی این بنا بر هر دو نظر حجیت شرعی ظن ثابت می شود خیلی با هم فرق ندارد؛** چون وقتی ظن بر مبنای حکومت حجیت شد، شرعاً هم حجیت خواهد بود؛ مثل یقین که گرچه عقلاً حجیت است، شرعاً هم حجیت محسوب می شود.
- پس مقصود از حجیت عقلی این نیست که در شریعت اعتبار ندارد، بلکه حجیتش در نظر شرع مأخوذ از شریعت و ادله شرعی نیست.

نتیجہ مقدمات انسداد

- حال اگر مبنای حکومت را بپذیریم، ظن در فرض انسداد مثل یقین می شود؛ یعنی حجیتش عقلی خواهد بود و شارع در آن فرض نه می تواند به آن حجیت ببخشد و نه می تواند حجیت را از آن سلب کند.
- همان گونه که شیخ - رضوان الله تعالی علیه - در مورد یقین فرمود: شارع نه می تواند یقین را حجت قرار دهد و نه می تواند حجیتش را سلب کند.
- در این صورت نمی توان موردی را از آن استثناء کرد

نتیجہ مقدمات انسداد

- مگر این کہ گفته شود حکم عقل به حجیت ظن در فرض انسداد مانند حکم عقل به حجیت یقین نیست بلکه متوقف بر عدم منع شارع از عمل به یک ظن است
- ولی حق این است که پذیرش چنین مبنایی به معنای انکار حکومت و پذیرش کشف است.

نتیجه مقدمات انسداد

- اما اگر مبنای کشف را قبول کنیم، شارع خودش به ظن حجیت بخشیده و عقل در اینجا صرفاً نقش کاشف را داشته است.
- پس امکان استثناء از سوی شارع وجود دارد که مثلاً بگوید: ظن حجت است مگر ظن حاصل از قیاس.

نتیجہ مقدمات انسداد

- ۳- عدم حجیت ظن (تبعیض در احتیاط)
- در مقابل دو نظر قبل، نظر سومی وجود دارد که صاحب ریاض - رضوان الله تعالی علیه - مطرح کرده و شریف العلما از قول او نقل کرده است. این نظر همان تبعیض در احتیاط است، یعنی وقتی نمی‌توانیم به طور کامل احتیاط کنیم، باید بعضی موارد را از باب احتیاط اتیان کنیم.

نتیجہ مقدمات انسداد

- مثلاً فرض کنید پنج تا لباس هستند که می‌دانم یکی از آنها متنجس است. برای اینکه احتیاط تام کنیم، باید باید پنج دفعه و هر بار با یکی از این لباس‌ها نماز بخوانیم تا یقین کنیم که با لباس پاک نماز خوانده‌ایم. در واقع احتیاط تام وقتی محقق می‌شود که یقین پیدا کنیم به وظیفه عمل کرده‌ایم.

نتیجہ مقدمات انسداد

- حال فرض کنید در این مثال احتمال نجاست چهار تا از لباس‌ها بیشتر از آن یکی باشد. در اینجا اگر با آن لباسی که احتمال نجاستش کمتر است، نماز بخواند، در واقع به طرف ظن خود عمل کرده‌است و این عمل، احتیاط تام نیست؛ چون کاری نکرده‌است که به انجام وظیفه یقین پیدا کند، بلکه به چیزی عمل کرده‌است که احتمال بیشتری برای ساقط کردن وظیفه داشت. به این کار می‌گوییم تبعیض در احتیاط.

نتیجہ مقدمات انسداد

- مثال قبلی در شبہة موضوعیہ بود. برای شبہة حکمیہ فرض کنید می دانم در یک محدوده‌ای یک سری واجبات و محرمات وجود دارد؛ ولی نمی دانم کدام واجب است و کدام حرام. احتیاط تام در این فرض آن است که تمام مواردی را که احتمال می دهیم واجب است، انجام دهیم و تمام مواردی را که احتمال می دهیم حرام است، ترک کنیم. تبعیض در احتیاط به این است که فقط مواردی را اتیان کنیم که احتمال واجب بودن یا حرام بودن آنها قوی تر از احتمال عدم وجوب یا حرمت است.

نتیجہ مقدمات انسداد

- تفسیر نادرست از مبنای حکومت
- اینکه در سخنان بعضی از جمله آیت الله خویی - رضوان الله تعالی علیه - «حجیة الظن علی الحكومة» به «تبعیض در احتیاط» تفسیر شده است، یک مصطلح تازه است و نمی تواند تفسیر سخن شیخ یا آخوند - رضوان الله تعالی علیهما - و کسانی باشد که به این مبنا معتقدند.

نتیجہ مقدمات انسداد

- مقصود امثال آخوند - رضوان الله تعالى عليه - به تصریح خودشان همان بود که بیان کردیم. اصولاً پذیرش حجیت ظن، چه علی الکشف و چه علی الحكومة، مبتنی است بر اینکه تبعیض در احتیاط را نپذیریم؛ زیرا معنای تبعیض در احتیاط، حجیت ظن نیست، بلکه در حقیقت عمل ما به مضمونات از باب احتیاط است.

تلخيص مباني الكشف و الحكومة

- و يختلف فرض جعل **الشارع** الحجية للظن في المقام عن فرض إيجاب الاحتياط بمقدار لا يلزم منه العسر و الحرج في أمرين:
- الأول - أن الاحتياط بمقدار لا يلزم منه العسر و الحرج ليس له ضابط معين بخلاف فرض جعل الظن حجة.

تلخيص مباني الكشف و الحكومة

- المبنى الأول: التبويض في الاحتياط.
- و أساسه أنه بقطع النظر عن لزوم العسر و الحرج كان مقتضى القاعدة و العلم الإجمالي الاحتياط التامّ و بمقتضى العسر و الحرج ترفع اليد عن الاحتياط بمقدار رفع العسر و الحرج، و يبقى الاحتياط في أزيد من ذلك ثابتاً على حاله فيدور الأمر بين الأخذ بالظن و الأخذ بالوهم، لكن لا بمعنى الوهم المقابل لذلك الظن، بل بمعنى أن الأمر دائر بين الاحتياط فيما هو مظنون الوجوب أو في الشيء الآخر الذي هو موهوم الوجوب

تلخيص مباني الكشف و الحكومة

- و الثاني - أنه على فرض جعل الحجية للظن على الإطلاق يصح العمل بالظن الترخيصى الذى هو فى قبال الأصل الإلزامى بخلاف فرض إيجاب الاحتياط،
- و بتجميع الظنون الترخيصىة و ضم بعضها إلى بعض [١] يطمئن الإنسان إجمالاً بوجود مصالح فى الترخيصى لا يرضى الشارع بفواتها عند الشك حيث إن الترخيصى كثيراً ما ينشأ عن مصلحة فى الترخيصى لا عن مجرد عدم المفسدة و المصلحة.

تلخيص مباني الكشف و الحكومة

- و هذان الفارقان بين فرض جعل الحجية للظن و فرض وجوب الاحتياط نكتتان لحصول الاطمئنان، أو القطع بعدم اكتفاء الشارع بمجرد الاحتياط بمقدار لا يلزم منه العسر و الحرج كما مضى منا: أن مصب الإجماع بقطع النظر عن نفس الإجماع مما يطمأن به أو يقطع به.

تلخيص مباني الكشف و الحكومة

- و أمّا حجّة المثبتات بناء على جعل الظن حجّة، أو جواز إسناد الحكم إلى الشارع بناء عليه لقيام الأمانة مقام القطع الموضوعي، فهذان الأمران لا نقطع و لا نطمئن بتحققهما في ما نحن فيه بقطع النظر عن الإجماع، إذ نكتة القطع غير موجودة فيها،

تلخيص مباني الكشف و الحكومة

- و إنما نقول بقيام خبر الثقة مقام القطع الموضوعي إن قلنا به لأجل استظهار ذلك من لحن لسان الدليل اللفظي على حجّيته لأن ظاهر قوله: «أخذ عنه معالم ديني»، و قوله: «قول من أقبل» مثلا هو الأخذ و القبول بمعنى فرضه عالما بنفس الحكم الواقعي، و إسناده إلى المولى و ليس المقصود مجرد البناء على الحكم الظاهري لأن هذا إنما يتحقق في طول قول الراوي أمّا الذي يؤخذ من الراوي و يقبل فإنما هو الحكم الواقعي [٢].

تلخيص مباني الكشف و الحكومة

- والحاصل: أن هذين الأمرين الأخيرين أعنى حجّة المثبتات، و إسناد الحكم المظنون إلى الشارع ليس لدينا اطمئنان بتحققها فيما نحن فيه بقطع النظر عن الإجماع.
- بل لو تمّ الإجماع حتى بلحاظ هذه الخصوصيات فحصول القطع منه بها صعب، فالقدر المتيقن فيما نحن فيه هو الأمران الأوّلان.